

Original Article

Investigating the Conditions of Transfer of Obligations in Iranian Law and Its Impact on Citizenship Rights

Mehdi Abedi¹, Ahmad Reza Khazaei^{2*}, Ali Bahraminejad³

1. Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Jurisprudence and Basics of Islamic Law Department, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: dr.khazaei46@yahoo.com
3. Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 13 Nov 2019 Accepted: 19 Feb 2020

Abstract

Background and Aim: The transfer of contractual obligations is a necessity of today's society, However, the development of this institution in the law of other countries also confirms this. Each person has the right to decide on his / her property and its transfer and since the contract is part of the person's property, It must be possible for the contracting party to withdraw from the contract and transfer the resulting rights and obligations to another. Accordingly, the present study seeks to examine the transfer of commitment in the field of citizenship rights.

Materials and Methods: The method used in this research is descriptive-analytical in terms of subject approach, In other words, by collecting the materials and organizing them in an analytical manner, the main purpose of the research, namely the conditions for the transfer of commitment in Iranian domestic law and its impact on citizenship rights has been considered.

Findings: The conditions for the transfer of an obligation are not explicitly stated in Iranian domestic law. However, there are other institutions that apply in the field of civil rights in relation to contracts from this perspective, These include remittance, guarantee contract, employment contract and rent of persons, each of which has advantages and disadvantages. But the approach of renting persons with jurisprudential and legal support on the one hand and preventing the permanent domination of the mercenary over the pledged property on the other hand, is a suitable form of obligation to observe citizenship rights in the field of transactions and economic issues.

Conclusion: Terms of transfer of commitment in Iran are done according to rules such as remittance, guarantee contract, employment contract and rent of persons, due to the attention of the rental institution to financial and economic activities and services, as well as its proper efficiency in the field of ownership and transfer of commitment can be a useful approach in the field of citizens' obligations. In this way, by using the lease of individuals, both the benefits of the obligations and the domination of the hired person over the committed resources can be eliminated.

Keywords: Transfer of Obligations; Citizenship Rights; Rent of Persons; Guarantee Contract

Please cite this article as: Abedi M, Khazaei AR, Bahraminejad A. Investigating the Conditions of Transfer of Obligations in Iranian Law and Its Impact on Citizenship Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 37-47.*

بررسی شرایط انتقال تعهد در حقوق ایران و تأثیر آن بر حقوق شهروندی

مهدی عابدی^۱، احمدرضا خزایی^{۲*}، علی بهرامی‌نژاد^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: dr.khazaei46@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: انتقال تعهدات قراردادی از ضرورت‌های جامعه امروزی است، گو این‌که توسعه این نهاد در حقوق سایر کشورها نیز مؤید این امر است. هر فردی مختار است در خصوص دارایی خود و انتقال آن تصمیم بگیرد و چون قرارداد جزئی از دارایی شخص محسوب می‌شود، باید امکانی فراهم گردد تا طرف عقد بتواند از قرارداد کنار رفته و حقوق و تعهدات ناشی از آن را به دیگری منتقل نماید. بر این مبنا، پژوهش حاضر درصدد است تا انتقال تعهد را در حیطه حقوق شهروندی مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این پژوهش بر حسب رویکرد موضوع، توصیفی - تحلیلی است، بدین‌معنا که با گردآوری مطالب و سازماندهی آنان به شیوه تحلیلی، هدف اصلی پژوهش، یعنی شرایط انتقال تعهد در حقوق داخلی ایران و تأثیر آن بر حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها: شرایط انتقال تعهد در حقوق داخلی ایران به صراحت بیان نشده است. با این حال، نهادهای دیگری وجود دارند که در حیطه تأمین حقوق شهروندی در رابطه با قراردادهای از این منظر دارای کاربرد هستند، از جمله می‌توان به عقد حواله، عقد ضمان، قرارداد کار و اجاره اشخاص اشاره کرد که هر کدام دارای مزایا و معایبی است، اما رویکرد اجاره اشخاص با پشتوانه فقهی و حقوقی از یکسو و ممانعت از تسلط دائمی اجیر بر اموال متعهدله از سوی دیگر، قالب تعهدی مناسبی برای رعایت حقوق شهروندی در حیطه معاملات و مسائل اقتصادی است.

نتیجه‌گیری: شرایط انتقال تعهد در ایران برحسب قواعدی همچون حواله، عقد ضمان، قرارداد کار و اجاره اشخاص انجام می‌شوند که به دلیل توجه نهاد اجاره اشخاص به فعالیت‌ها و خدمات مالی و اقتصادی و همچنین کارآیی مناسب آن در حوزه‌های مالکیت و انتقال تعهد می‌تواند رویکرد مفیدی در حیطه تعهدات شهروندان به حساب آید. بدین ترتیب با به کارگیری عقد اجاره اشخاص، هم می‌توان از منافع تعهدات بهره برد و هم سلطه اجیر بر منابع متعهدله را از بین برد.

واژگان کلیدی: انتقال تعهد؛ حقوق شهروندی؛ اجاره اشخاص؛ عقد ضمان

مقدمه

مفاهیم و اصطلاحات

۱- انتقال

انتقال در اصل به معنای جابجایی شخص، جنس و یا شیء از جایی به جای دیگر است. این موضوع به طور مشخص در ادبیات حقوقی معنای خاصی به خود می‌گیرد. به طور مثال، انتقال قهری مال از کسی به دیگری چنانکه در ارث دیده می‌شود، یعنی مالی بدون تأثیر اراده مالک آن به دیگری منتقل می‌شود به حکم قانون، مانند انتقال مال متوفی به ورثه او به حکم قوانین ارث. همچنین انتقال ارادی مانند انتقال مبیع به خریدار در عقد بیع، یعنی نقل مالکیت اعیان یا منافع آن‌ها به اراده و رضای مالک که در برابر انتقال قهری به کار می‌رود و کاربرد آن در عقود و ایقاعات است. در واژه «نقل و انتقال» در آغاز این دوگانگی مورد نظر بود. بعداً به صورت مترادف درآمد، یعنی انتقال هم همان معنی نقل را پیدا کرد (۲). نقل عبارت است از: «سلب یک مالک نسبت به مال یا اموال معین و اعطای آن به دیگری، خواه به رضای مالک باشد، مانند رضای بایع در بیع و خواه به حکم قانون، مانند فروش مال محکوم به حکم حاکم یا فروش مال محکوم علیه در اجرای احکام. اثر حاصل از نقل را اصطلاحاً انتقال گویند» (۲). بنابراین می‌توان در تعریف انتقال گفت که انتقال، زوال مالکیت مالک نسبت به مال یا اموال معین به نفع مالک جدید است.

۲- تعهد

تعهد اصطلاحی عربی و در واقع به معنای متعهدشدن و تسلیم‌شدن در برابر انجام کار یا عملی است. از این رو نفس تعهد به معنای ایفاکردن امری است و اگر غیر از ایفا باشد، نمی‌توان آن را تعهد دانست. به عبارت دیگر، عملی که ایفا و فعلی در آن صورت نگیرد، تعهد نیست و از اساس باطل است. همچنین است ترک عمل که آن نیز مصداق تعهد به شمار می‌رود. از اصطلاح تعهد سه فاعل استفاده می‌شود: اول، کسی که فعلی را انجام می‌دهد و یا آن را ترک می‌کند «متعهد» نامیده می‌شود و کسی که تعهد در راستای فرمان او انجام می‌گیرد «متعهدله» و مصداق تعهد را «متعهدبه» می‌خوانند. در نهایت می‌توان این تعریف را از تعهد ارائه کرد که مطابق

پدیده‌های حقوقی مانند سایر پدیده‌ها عمر خاص خود را دارند و آنچه زمانی محل رجوع مردم است، ممکن است زمانی دیگر از صفحه هستی حذف شود. همچنین ممکن است در کنار انبوه نهادهای حقوقی، نهادی تازه متولد شود و مورد اقبال قرار گیرد. منشأ این امر را باید در نیازهای نوع بشر جستجو کرد. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، نیازمند ارتباط با دنیای پیرامون خود است و تنظیم این رابطه وظیفه دانش حقوق است. بنابراین در این فرایند، همواره نهادهایی دارای اعتبار بالاتری هستند که بهتر بتوانند نیازهای مردم را رفع کنند و اگر نهادی این چنین توانی را از دست بدهد. طبیعی است که به عنوان وسیله‌ای کهنه کنار گذاشته شود و جای خود را به نهادی نو دهد (۱). به همین ترتیب در فرایند انتقال تعهد، بررسی مزیت‌ها و معایب نهادهای انتقال تعهد بسیار حائز اهمیت است، زیرا امروزه و با پیشرفت اقتصاد و تحولات صورت‌گرفته در این حوزه، نیازمند ساز و کارهای حقوقی مدونی هستیم که هم از جنبه سرعت‌بخشی و هم از جنبه اطمینان و ضمانت بتواند امنیت قابل توجهی برای شهروندان پدید آورد. استدلال این است که وجود نهادهای حقوقی در زمینه‌های مختلف و از جمله در زمینه انتقال تعهد به شکل قابل توجهی خواهد توانست باعث رونق اقتصادی و سهولت در مبادلات و تعهدات میان شهروندان شود. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی شرایط انتقال تعهد در حقوق ایران، هم قوانین داخلی را در این زمینه مورد توجه قرار دهد و هم این‌که نوعی نسبت سنجی میان شرایط انتقال تعهد و حقوق شهروندی برقرار سازد. سؤالی که مطرح می‌شود، این است: انتقال تعهد چگونه بر حقوق شهروندی در حوزه‌های قوانین داخلی اثر می‌گذارد؟ و مناسب‌ترین تعهد برای انتقال تعهد در حیطه مسائل اقتصادی و مالی شهروندان کدام است؟ ساختار پژوهش به گونه‌ای است که ابتدا مفاهیم مرتبط با بحث مطرح می‌شوند، سپس به مبانی انتقال تعهد در نظام‌های حقوقی و از جمله در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود، پس از آن انواع نهادهای انتقال تعهد و مزیت‌های آنان بررسی می‌شود و تجزیه و تحلیلی از آنان به دست می‌دهد.

قابل انتقال هستند. به طور کلی، انتقال تعهد دو مصداق مهم دارد: ۱- انتقال دین (Cession de Creance)؛ ۲- انتقال طلب (Cession de Dette).

توضیح این‌که، انتقال دین ناشی از عقدی است که مدیون، دین خود را به دیگری منتقل می‌کند، اما انتقال طلب عقدی است که بستانکاری طلب خود را به موجب آن عقد به دیگری انتقال می‌دهد، بدون این‌که بدهکار آن طلب، در این عقد دخالت داشته باشد. این انتقال ممکن است رایگان باشد یا نباشد. تأثیر این عقد نسبت به مدیون، موقوف است بر قبول انتقال طلب از جانب او. انتقال طلب در رابطه ناقل و منتقل‌الیه، از زمان ایجاب و قبول، محقق می‌شود، اما نسبت به بدهکار که ثالث این عقد است از زمان قبول وی (که جنبه تشریفاتی هم دارد) محقق می‌شود. این‌ها راجع به حقوق مدنی فرانسه است. ماده ۲۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۶/۷ بر پایه انتقال طلب به همین معنی نهاده شده است» (۲).

اما مفهوم انتقال تعهد این است که تعهد چه از ناحیه متعهدله (دائن) با توجه به حق شخصی خود، و چه از ناحیه متعهد (مدیون) به لحاظ تعهدی که بر ذمه او استقرار یافته است، به فرد یا افراد دیگری منتقل می‌شود. بدین‌گونه که همان تعهد اصلی و پایه با تمام خصوصیات و ویژگی‌های خود انتقال یابد. در اصطلاح انتقال از جانب دائن را انتقال طلب و انتقال تعهد از جانب مدیون را انتقال دین می‌نامند» (۵). بدین‌ترتیب می‌توان گفت: «به مجموع انتقال دین و انتقال طلب، انتقال تعهد گفته می‌شود» (۲).

در حقوق داخلی ایران از دیرباز دو عنوان «انتقال طلب» و «انتقال دین» وجود داشته و نظریه‌های حقوقی به آثار و احکام آن پرداخته‌اند. با این حال، اعمالی که سبب انتقال تعهد می‌شد، در زمره عقود معین، احکام خاص داشته است. حواله وسیله انتقال دین و طلب و ضمان سبب انتقال ذمه مدیون به ضامن بوده است. در حقوق جدید نیز که انتقال تعهد به قواعد عمومی راه یافته و وابسته به اسباب خاص نیست، وضع انتقال طلب و انتقال دین متفاوت است، در حالی که انتقال طلب در قالب یکی از قراردادهای با نام یا به تراضی پذیرفته شده است؛

آن: «تعهد رابطه حقوقی بین دو شخص است که به موجب آن متعهدله می‌تواند متعهد را ملزم به پرداخت مبلغی پول یا انتقال چیزی و یا انجام دادن عمل و یا ترک فعلی کند» (۳).

۳- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به معنای حقوق شناخته‌شده مردم در یک سرزمین و تحت زعامت یک دولت مشخص است که دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، مدنی و فرهنگ است. حقوق شهروندی مفهومی مدرن است و به طور مشخص با ظهور دولت‌های مدرن در غرب و از جمله با شکل‌گیری دولت رفاه در دهه ۱۹۴۰ مطرح شده است. حقوق شهروندی در واقع با وجود یک قانون اساسی مدون قابل طرح است که حقوق برابر، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین حقوق اقلیت‌ها را نیز در نظر می‌گیرد. در واقع با وجود قانون است که حقوق شهروندی معنا پیدا می‌کند. به تعبیر اندرو آلتمن: «در حکومت مبتنی بر حاکمیت قانون، هیچ کس برتر از قانون نیست، حتی عالی‌ترین مقامات دولت نمی‌توانند به میل خود رفتار کنند و فقط به آنچه قانون برای آنان تصویب می‌کند یا مجاز می‌شمرد، عمل می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت نخستین اصل حاکمیت قانون این است که دولت نباید فراتر از قانون عمل کند یا کاری انجام دهد» (۴). رویکرد قانون‌محوری در حقوق شهروندی باعث ایجاد برابری، آزادی و ارتقای زندگی شهروندان در ابعاد مختلف می‌شود.

مبانی نظری؛ انتقال تعهد و ابعاد حقوقی آن

انتقال تعهد در نظام‌های حقوقی دنیا دیده می‌شود که هر کدام از آنان، بر حسب شرایط حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود، معیارهای خاصی را نیز برای آن در نظر می‌گیرند. در همین راستا، نظام‌های حقوقی مختلف، برخی نهادها را به عنوان پذیرش نوعی انتقال تعهد در نظر گرفته‌اند که در نظام حقوقی ایران نیز ضمان و حواله از مصادیق آن به شمار می‌روند. در هر صورت با تعاریفی که از تعهد به دست آمده است، می‌توان گفت که تعهد دارای دو جنبه مثبت و منفی است و انتقال تعهد نیز عبارتست از انتقال جنبه مثبت یا منفی تعهد، یعنی دین یا طلب. اصل این است که تعهدات

انتقال دین، عقد ضمان و حواله است و جزء با شرکت و رضای طلبکاران امکان ندارد (۶).

در انتقال تعهد، رابطه حقوقی‌ای که دائن و مدیون را به هم مرتبط می‌سازد، از ذمه دائن به شخص دیگری یا از ذمه مدیون به شخص ثالث که ملزم به ادای دین است، با بقای اصل تعهد همراه با تمامی صفات و ممیزات و توابع آن منتقل می‌شود، به گونه‌ای که دائن جدید، جانشین دائن اصلی در اصل طلب وی شود و یا مدیون جدید، جایگزین مدیون اصلی در تعهد او نسبت به اصل دین یا برائت ذمه مدیون اصلی از آن دین می‌شود (۷). در یک جمله می‌توان گفت که انتقال تعهد عبارت است از جایگزینی فرد جدیدی به جای یکی از طرفین تعهد بدون این‌که هیچ‌گونه تغییری در طبیعت و ماهیت این تعهد ایجاد شود (۸). همچنین باید این نکته را نیز مورد توجه قرار دارد که اصل انتقال تعهد وارد عرصه قراردادهای تجاری نیز شده است، بدین معنا که در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز منظور از انتقال تعهد این است که امکان ورود بخشی از دارایی متعهد ابتدایی به دارایی متعهد جدید را فراهم می‌کند و به عنوان ابزاری در خدمت مقاصد اقتصادی به شمار می‌رود (۹).

انتقال تعهد با برخی مفاهیم و اصطلاحات موجود در این زمینه متفاوت است. از جمله می‌توان به تفاوت‌های انتقال تعهد واگذاری حقوق اشاره کرد. به طور کلی، عقود و قراردادهای موجد حقوقی برای ذی‌نفع آن می‌باشند که مستقیماً از خود عقد ناشی می‌شود. بر اساس قواعد کلی، ذی‌نفع باید حق تصرف در این حقوق و از جمله انتقال را داشته باشد. اصل انتقال حق خود به دیگری در فقه اسلامی نیز مورد توجه است، به طوری که می‌توان گفت قاعده «تسلیط» به عنوان مبنای فقهی آن در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این قاعده فقهی، کسانی که مال و یا دارایی خاصی در اختیار دارند، می‌توانند در آن تصرف کنند و یا هر طور که مایل هستند، آن را به دیگری انتقال دهند.

طبق ماده ۱-۹-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی: «واگذاری یک حق» به معنای انتقال توافقی یک حق از سوی یک شخص «واگذارنده» به شخص دیگری «طرف واگذاری»

است که شامل موردی نیز می‌شود که حق واگذارنده به دریافت مبلغی از یک شخص ثالث یا اجرای نوع دیگری از تعهد توسط شخص ثالث «متعهد» به عنوان وثیقه از سوی واگذارنده، به طرف واگذاری انتقال می‌یابد (۱۰).

با این اوصاف می‌توان گفت که انتقال یا واگذاری حقوق به این معناست که جزئی از دارایی واگذارنده بخشی از دارایی طرف واگذاری می‌شود. از سوی دیگر، تعریف مذکور به واگذاری حق دریافت یک مبلغ محدود نمی‌شود. این تعریف، حقوق ناشی از سایر انواع اجرای تعهد مانند انجام خدمات، را نیز دربر می‌گیرد. حقوق قابل واگذاری به حقوقی که ماهیت قراردادی نیز محدود نمی‌شود. مطالبات ناشی از ادعاهای غیر قراردادی یا مبتنی بر حکم دادگاه نیز برای نمونه می‌توانند تابع مفاد این ماده باشند. همچنین حقوق موجد را نیز می‌توان تحت شروط مندرج در ماده ۵-۹-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (با این شرط که به هنگام تحقق آن در حقوق آتیه، بتوان حقوق مزبور را به عنوان حقوقی که واگذاری در ارتباط با آن‌ها صورت پذیرفته است مشخص کرد) انتقال داد (۱۰).

تجزیه و تحلیل؛ انتقال تعهد و حقوق شهروندی

انتقال تعهد به عنوان یک عمل حقوقی به طور مشخص ناظر بر وضعیت حقوقی شهروندان در یک جامعه است که ابعاد و آثار آن، حقوق شهروندان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این زمینه نیز حقوق داخلی ایران، شرایط خاصی را معین کرده است که به موجب آن، انتقال تعهد به مثابه دفاع از حقوق شهروندان در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی عمل می‌نماید. قانون داخلی در این زمینه، عقود معین را مد نظر قرار داده است که در قانون مدنی به چشم می‌خورند. تنها عقود معین مذکور در قانون مدنی که مبتنی بر نوعی انتقال تعهد می‌باشند، عقد حواله، ضمان، قرارداد کار و اجاره اشخاص است که در اینجا به اختصار، به معرفی و بازشناساندن آن‌ها به عنوان اسباب ارادی و اختیاری انتقال تعهد در حقوق ایران می‌پردازیم.

۱- عقد حواله

عقد حواله به عنوان یکی از مصادیق انتقال تعهد، مورد توجه حقوق مدنی قرار گرفته است. این بخش از حقوق مدنی می‌تواند به عنوان رویکردی در قبال حقوق شهروندی تلقی شود. در این زمینه، ماده ۷۲۴ ق.م.می‌گوید: «حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد. مدیون را محیل، طلبکار را محتال، شخص ثالث را محال‌علیه می‌گویند.»

اکثریت عظیم فقهای مذاهب مختلف اسلامی ماهیت حقوقی حواله را مبتنی بر انتقال دین می‌دانند و عموماً عقیده دارند که به موجب عقد حواله دین محیل به محال‌علیه منتقل می‌شود. با این حال، چنانچه می‌دانیم این عقد دارای دو چهره است، یعنی ۱- انتقال طلب در حواله بر مدیون؛ ۲- انتقال دین در حواله بر محال‌علیه بری‌الذمه. در حواله بر مدیون انتقال طلب وجود دارد، از این جهت که طلب محتال از محیل به محال‌علیه منتقل گردیده و ایفای دین از جانب شخص اخیر به معنی انتقال طلب است. بدین جهت بعضی از گروه فقهای امامیه قبول محال‌علیه را در این صورت لازم ندانسته‌اند (۱۱)، ضمن این‌که باید به این نکته نیز اشاره نمود که در روابط میان شهروندان و در حواله بر بری‌الذمه، انتقال طلب وجود ندارد، چون محیل طلبی ندارد تا آن را از طریق احاله به محال‌علیه تأدیه کند، لیکن دین خود را بر عهده محال‌علیه می‌گذارد تا از جانب وی آن را بپردازد و با قبول محال‌علیه این نتیجه حاصل می‌شود. این رویکرد از منظر حقوق شهروندی چیزی جز انتقال دین نیست.

۲- عقد ضمان

مصادیق دیگری که از منظر حقوق شهروندی و در زمینه انتقال تعهد دیده می‌شود، عقد ضمان است. در خصوص ماهیت عقد ضمان نظریات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای معتقدند ضمان نوعی وثیقه برای دین اصلی می‌باشد (ضم ذمه به ذمه)؛ در حقوق کشورهای اروپایی و نزد فقهای اهل سنت از این نظر متابعت شده است. گروهی دیگر ضمان را وسیله برائت ذمه مدیون اصلی می‌دانند (نقل ذمه به ذمه) این گروه عقد ضمان را مبتنی بر انتقال دین می‌دانند، بدین معنی که با

وقوع عقد ضمان ذمه مضمون‌عنه به ذمه ضامن منتقل می‌شود. این عده معتقدند از نظر تحلیلی عمل ضامن عبارت است از عهده‌گرفتن دینی که بر ذمه مضمون‌عنه می‌باشد. بنابراین انعقاد عقد بین دائن و مدیون جدید حقیقت این امر را که انتقال دین از ذمه مدیون اصلی به ذمه مدیون جدید است تغییر نمی‌دهد. نتیجه این‌که چون ضمان انتقال دین است. بنابراین کلیه تضمینات دین سابق پس از ضمان ساقط نمی‌شود (۱۲).

مهم‌ترین انتقادی که می‌توان بر این نظر وارد نمود، آن است که با اعتقاد بر این‌که ضمان را نوعی انتقال دین دانسته و به موجب عقد ضمان، مضمون‌عنه از تعهد خارج می‌شود و تعهداتی که در قبال پرداخت دین پذیرفته است، از بین می‌روند و دیگر اثری از آنان نیست. بنابراین آنچه درباره عقد ضمان گفته می‌شود، با رویکرد عدم سقوط وثایق و تضمینات ناسازگار است. در پاسخ می‌توان گفت مفهوم ضمان مبتنی بر انتقال دین در حقوق خارجی (اروپایی) با حقوق اسلامی متفاوت است که بررسی آن نیازمند نوشتار دیگری است، زیرا بحث حاضر به ابعاد شرایط انتقال تعهد و بررسی مزیت‌های قواعد مرتبط با انتقال تعهد است.

در عقد ضمان، از همه آثار انتقال دین پیروی نشده، از جمله این‌که در انتقال دین، تعهد با تمام توابع و تضمینات بر عهده ثالث قرار می‌گیرد، در حالی که ضمان سبب انتقال دین است و تضمینات آن از بین می‌رود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انتقال دین کامل زمانی صورت می‌گیرد که ذمه مدیون به کلی بری شود و از هر حیث ثالث به جای او نشیند. بنابراین از حیث حقوق شهروندی و در تحلیل ضمان باید گفت ضمان نوعی انتقال دین اصلاح شده است (۱۳) یا به تعبیری دیگر چنین گفته می‌شود که «نوعی انتقال دین خاص است با احکام و آثار ویژه خود و بدین ترتیب با قائل‌شدن یک چنین مفهومی برای انتقال دین، تضمینات و وثائق دین مزبور پس از انتقال و تحقیق عقد ضمان از بین می‌روند و این قول مشهور فقهای امامیه و حقوقدانان ماست» (۱۴).

۳- قرارداد کار

قرارداد کار نیز از جمله عقود و تعهداتی است که در حیطه معاملات و مسائل اقتصادی و مالی میان شهروندان به کار گرفته می‌شود و در برخی از کشورهای اروپایی نیز کاربرد دارد. بر اساس قرارداد کار، در عقود تعاهدی، یکی از طرفین عقد می‌تواند حقوق و تعهدات خود را در مقابل دیگری به شخص ثالثی منتقل کند. این معامله معروف به واگذاری قرارداد است که یک عمل حقوقی بین اشخاص زنده محسوب می‌شود که به واسطه آن انتقال تعهد صورت می‌گیرد. قرارداد کار به عنوان یکی از عقود در برخی از موارد می‌تواند حامی حقوق شهروندان نیز تلقی شود، زیرا براساس تصمیمات آزاد آنان دنبال می‌شود، مانند پیمانکاری که تعهدات و حقوق ناشی از قرارداد پیمانکار را با حصول شرایطی به پیمانکار ثالثی انتقال می‌دهد و خود را از آن قرارداد می‌رهاند. واگذاری قرارداد یک نهاد پذیرفته‌شده در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول اروپایی قراردادها نیز می‌باشد. در همین زمینه قوانین داخلی در ماده ۱۲ قانون کار ایران نیز مقرر می‌دارد: «هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل، تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی‌شدن کارگاه، فوت مالک و امثال این‌ها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است، مؤثر نمی‌باشد و کارفرمای جدید، قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.»

در این زمینه نیز رویکرد غالب این است که قائم‌مقام در انعقاد عقد و قرارداد هیچ نقشی ندارد و تنها پس از جانشینی اوست که آثار قرارداد بر او تحمیل می‌گردد. به گفته برخی از حقوقدانان، قائم‌مقام نه یکی از متعاقدين عقد است و نه نماینده آنان، بلکه در واقع شخص بیگانه‌ای است که به دلیل انتقال حق یا تعهدی از سوی یکی از متعاقدين به او، جانشین طرف اصلی عقد می‌شود و عهده‌دار مجرای مفاد عقد است (۱۵). استاد و محقق واژه‌شناسی حقوقی می‌گوید: عنصر مشخص و ممیز نماینده و قائم‌مقام این است که کثرت حقوق و قلت تکالیف قائم‌مقام بیش از نماینده است، به همین جهت

ایشان معتقدند که وصی، قائم‌مقام محسوب می‌شود، اما قیم، صرفاً نماینده است (۲).

در همین راستا، حکم مندرج در ماده ۱۲ قانون کار ایران و قوانین مشابه خارجی از جمله قانون ۱۹۲۸ فرانسه مبنی بر این‌که کارفرمای جدید، قائم مقام حقوق و تعهدات کارفرمای سابق است می‌تواند دارای مصادیق فراوانی باشد. به عنوان مثال ممکن است کارفرمای اول به سبب مشکلات مالی کارگاه خود را واگذار کند (۲). در خصوص این ماده باید گفت که تغییر حقوقی در وضعیت مالکیت کارگاه، هر نوع انتقال اعم از قهری یا قراردادی، جزئی یا کلی، معوض یا غیر معوض را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر تغییر حقوقی را باید تفسیر موسع کرد. برای مثال، کارفرمایی که کارگاه خود را به ثالث انتقال دهد، عمل او به اعتبار قرارداد کار بین او و کارگران خدشه وارد نمی‌کند؛ منتقل‌الیه قائم مقام ناقل می‌گردد و ملزم به رعایت عقد مذکور است. اساس انتقال کارگاه، انتقال طلب و انتقال دین است نه تبدیل تعهد (۲).

انتقال تعهد در حقوق کار بدین ترتیب است که اگر انتصابی صورت گیرد و قائم مقام جدیدی، جایگزین قائم مقام سابق گردد، همان حقوق و تعهدات برای وی مترتب است. از این حیث، کارفرمای جدید همانند کارفرمای سابق از این اختیار برخوردار است که بتواند در اداره امور خویش از جمله تعدیل و تغییر کارگران، اخراج آنان، حقوق و مزایا و یا هر آنچه در حیطه اختیارات شخص پیشین بوده است، دخل و تصرف نماید. این رویکرد از طریق ماده ۱۲ قانون کار نیز قابل استناد است. در اینجا می‌توان به تفاوت قائم مقامی و نمایندگی اشاره نمود. در واقع قائم مقام، شخصی است که به جانشینی دیگری دارای حقوق و تکالیف او می‌گردد. چندین مصداق قائم مقامی می‌توان نام برد که از جمله به موارد پیش رو می‌توان اشاره کرد: ۱- وارث: قائم مقام مورث است؛ ۲- منتقل‌الیه: قائم مقام انتقال‌دهنده است؛ ۳- مدیر تصفیه: قائم مقام ورشکسته است، ولی نمایندگی، عنوانی است که بر مبنای آن، شخص اقدام به انجام عمل حقوقی به نام شخص دیگر و به حساب او و به منظور تأمین اهداف او می‌نماید. نمایندگی اصولاً به سه دسته قراردادی، قانونی و قضایی تقسیم می‌شود. شخص در نمایندگی

وی مطالبه کند و سایر محدودیت‌های مراجعه بر مبنای قائم مقامی نیز وجود نخواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت مبنای رجوع سازمان به بیمه‌گر عامل زیان قائم مقامی در اثر پرداخت خسارت به زیان‌دیده است.

۴- اجاره اشخاص

اجاره اشخاص به عنوان یکی از دیگر از راه‌کارهای انتقال تعهد در حقوق ایران، از حیث متعددی می‌تواند باعث تحقق حقوق شهروندی تلقی گردد. درباره قرارداد اجاره اشخاص می‌توان ادله‌های فقهی و حقوقی متعددی را بیان نمود که همگی حاکی از تأثیر مشخص آن بر حقوق شهروندی دارد، از جمله این‌که شهید ثانی (ره) در تعریف عقد اجاره می‌فرماید: «الْإِجَارَةُ وَ هِيَ الْعَقْدُ عَلَى تَمَلُّكِ الْمَنْفَعَةِ الْمَعْلُومَةِ بِعَوَضٍ مَعْلُومٍ؛ عقد اجاره، تملیک منفعت است در مقابل عوض مشخص» (۱۷). همچنین صاحب جواهر (ره) نیز می‌فرماید: «أَنَّهَا مَا شَرَعَتْ لِنَقْلِ الْمَنْفَعَةِ بِعَوَضٍ مِنْ آخِرٍ». اجاره، چیزی است که برای انتقال منفعت به دیگری در مقابل عوض معین، تشریع شده است (۱۸). علاوه بر این، فقهای عامه و امامیه، همگی بر مشروعیت عقد اجاره اشخاص اتفاق نظر دارند و هیچ‌گونه اختلافی در این زمینه وجود ندارد. صاحب تذکره الفقهاء می‌نویسد: «لاخلاف بین العلماء فی جواز استیجار الأدمی؛ بین علمای اسلام در مورد جواز اجاره انسان هیچ اختلافی نیست» (۱۹). همچنین ابن‌رشد از فقهای اهل سنت در این باره می‌نویسد: «اجاره عقدی جایز در بین همه فقیهان اعصار و در صدر اسلام بوده است» (۲۰).

دلایل متعددی می‌توان بیان کرد که بر اساس اجاره اشخاص، انتقال تعهد، محدودیت‌هایی برای حقوق شهروندی پدید نمی‌آورد، از جمله این‌که در عقد اجاره، اجرت و میزان کار و طرف ایجاب باید معلوم و معین باشد. به عنوان مثال ممکن است اجرت در عقد جعاله، درصدی معین از محموله برنج و گندم باشد، در حالی که میزان تناسب برنج و گندم و وزن مجموع آن‌ها معلوم نباشد (۱۱). همچنین در عقد اجاره اشخاص از آنجا که تعهد، یک رابطه حقوقی است، «اجیر»

قراردادی به موجب قرارداد، عملی حقوقی را به نام و حساب شخصی دیگر واقع می‌سازد. در نمایندگی قانونی، به حکم قانون برخی نماینده برخی دیگر می‌گردند، مانند نمایندگی ولی قهری از جانب فرزند خویش (در مورد ولایت قانونی). در نمایندگی قضایی انتخاب نماینده بر عهده دادگاه قرار دارد که به این دلیل آن را نمایندگی قضایی نامیده‌اند. برای مثال، دادگاه شخص امین را به عنوان نماینده فرد غایب مفقودالاثر انتخاب و معرفی می‌نماید (۱۵). در این زمینه می‌توان چنین بیان کرد که قانون تأمین اجتماعی در فرضی که واردکننده زیان تحت پوشش بیمه مسئولیت است، حق رجوع به بیمه‌گر وی را برای سازمان تأمین اجتماعی به رسمیت شناخته است. به عبارت بهتر می‌توان گفت به موجب بیمه مسئولیت، بیمه‌گر در مقابل شخص ثالث متعهد می‌شود تا در صورت بروز حادثه و ورود خسارت وارده را پرداخت کند. در فرضی که شخص تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی و بیمه مسئولیت است، اگر بیمه تأمین اجتماعی خسارت را به زیان‌دیده پرداخت کرده باشد، به عنوان قائم مقام وی حق رجوع به بیمه‌گر عامل زیان را خواهد داشت. به این معنا که سازمان تأمین اجتماعی دین مدیون (عامل زیان) را به طلبکار (بیمه‌شده زیان‌دیده) می‌پردازد و در نتیجه، طلب طلبکار به سازمان منتقل می‌شود و می‌تواند به قائم مقامی از بیمه‌شده زیان‌دیده به عامل زیان یا بیمه‌گر او مراجعه کند.

با این حال، در فرضی هم که عامل زیان تحت پوشش بیمه مسئولیت نباشد، این حق برای سازمان تأمین اجتماعی وجود دارد که به خود عامل زیان مراجعه کند، چراکه وقتی سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند به بیمه‌گر عامل زیان رجوع کند، پس به طریق اولی به خود وی نیز حق رجوع دارد (۱۶). سازمان تأمین اجتماعی به استناد قواعد عام مسئولیت مدنی، همانند هر زیان‌دیده دیگر، به دلیل این‌که در نتیجه فعل زیان‌بار دیگری مکلف به ارائه خدمات و پرداخت خسارت شده، می‌تواند خواستار جبران خسارت وارده شده به خود از بیمه مسئولیت شود. بر این اساس، سازمان می‌تواند نه تنها مبلغ پرداخت شده نقدی و هزینه خدمات غیر نقدی، بلکه به طور کلی تمام خسارات وارده شده به خود را از عامل زیان یا بیمه‌گر

یک اصل در فقه اسلامی که اساس اقتباس مقررات حقوقی ایران است و با عبارت معروف «العقود تابعه للقصود» شناخته شده است. در حقوق ایران نیز با متابعت از فقه امامیه حاکمیت اراده در قانون مدنی به عنوان یک اصل انعکاس یافته است. امروزه در حقوق همه کشورها اصل آزادی اراده مورد پذیرش واقع شده است، البته برخی در توجیه مبانی آن راه افراط پیموده‌اند. به طوری که گفته شده است اراده منشأ همه تعهدات و قوانین است. مسؤولیت مدنی بدون وجود اراده وجود ندارد و لاقلاً باید خطا یا تقصیر وجود داشته باشد تا مسؤولیت که نوعی تعهد است، محقق گردد. جرم و شبه‌جرم نیز از اراده سرچشمه می‌گیرند. در مورد تعهدات ناشی از قانون هم فرض مقنن این است که متعهد قبلاً آن را قبول کرده است و می‌توان گفت که نه‌تنها تعهدات ناشی از اراده است، بلکه سایر حقوق نیز از اراده ناشی می‌شود (۲۳).

نتیجه‌گیری

اقتصاد کنونی «تعهد» را به صورت مالی قابل داد و ستد درآورده است و آن را از ارکان دارایی می‌شمرد. به این دلیل که پیچیده‌شدن روابط اقتصادی و همچنین سرعت بالای نقل و انتقالات نیازمند ساز و کارهای حقوقی مدونی است که بتواند سهولت اقتصادی را تضمین نماید و هم این‌که حقوق شهروندان، اعم از متعهدبه، متعهد به و متعده را تنظیم نماید. انتقال تعهد از این جهت دارای جایگاه مهمی است، زیرا با ایجاد رویه‌های معین، مسؤولیت‌های پدیدآمده در تعهدات را می‌شناسد و از طرفین تعهد می‌خواهد که نسبت به انجام تعهدات و تکالیف خود آگاه باشند و به آن‌ها نیز عمل نمایند، زیرا همانطور که گفته شد، تعهدی که ایفا و عملی در آن صورت نگیرد، از اساس باطل است. این موضوع به خوبی در فقه اسلامی و حقوق داخلی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است که عمل به انجام تعهدات به عنوان مبنای انتقال تعهد به شمار می‌رود، ضمن این‌که در بررسی انتقال تعهد از منظر حقوقی باید گفت که انتقال تعهد با تبدیل تعهد متفاوت است، چراکه در تبدیل تعهد، تعهد سابق از بین رفته و تعهدی جدید

صاحب مال شناخته نمی‌شود و تنها به نوان طرف قرارداد، خدماتی را برای وی انجام می‌دهد. از این رو نمی‌تواند خود را صاحب مال وی معرفی نماید. به عبارتی دیگر مزایای این نوع تعهد برای حقوق شهروندی این است که سلطه مالکانه‌ای بر اموال فرد به وجود نمی‌آید.

علاوه بر مشروعیت فقهی انتقال تعهد در قالب اجاره اشخاص، مشروعیت قانونی نیز در این زمینه دیده می‌شود که در قالب حقوق انتقال تعهد به عنوان یک نهاد حقوقی جلوه‌گر می‌شود، چنانچه به موجب ماده ۴۶۶ قانون مدنی: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر، مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را مؤجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند.» حقوقدانان، اجاره را عقدی لازم، تملیکی، معوض، رضایی و موقتی می‌دانند (۲۱) و برخی با استناد به بند ۳ ماده ۴۹۰ ق.م. معتقدند که هرچند در ماده ۴۶۶ به معوض بودن اجاره اشاره‌ای نشده است، اما اجاره عقد معوض است و مستأجر نیز در برابر موجر متعهد است که مال الاجاره بپردازد (۲۲). بنابراین از مزایای دیگری که می‌توان در اجاره اشخاص مشاهده نمود و بر اثر آن، حقوق شهروندی را استخراج نمود، خاصیت رضایی بودن و موقتی بودن آن است که هم تسلط مالکانه «اجیر» را از بین می‌برد و هم این‌که به عنوان تعهدی موقتی محسوب می‌شود که در زمان مشخصی می‌تواند به پایان برسد.

آنچه در اجاره اشخاص دیده می‌شود، توجه به نقش اراده و اختیار در ایجاد و یا از بین بردن تعهد میان طرفین است که خود نیز مؤید اراده آزاد شهروندان است. از این رو در راستای حقوق شهروندی تلقی می‌شود. بدین ترتیب غایت نظم اجتماعی و هدف آن، خدمت به افراد جامعه است و با توجه به این‌که ظهور کمال شخصیت هر فرد، بسته به این است که آزادی اراده داشته باشد. این رویکرد در حوزه حقوقی نیز می‌تواند واجد نقشی مؤثر در حوزه حقوق شهروندی و روابط میان شهروندان باشد، پس برای این‌که به شخصیت انسانی احترام گذاشته شود، باید به اراده او احترام گذاشت و قانون باید از تصادم اراده‌ها جلوگیری نماید. حاکمیت اراده به عنوان

جایگزین آن می‌شود و تضمینات تعهد نیز ساقط می‌شود، در حالی که در انتقال تعهد چنین نیست. اصل این است که تعهدات قابل انتقال هستند، مگر این که تعهدی به حکم قانون یا توافق طرفین و یا به دلیل ماهیتی که دارد، قابل انتقال نباشد. تعهد ممکن است به صورت قهری و در اثر مرگ، انتقال یابد که در این حالت اراده نقشی در این انتقال ندارد و یا این که به صورت ارادی و از طریق انعقاد عقود معین یا عقود غیر معین انجام شود.

با توجه به آنچه بیان شد، رویکرد مورد توجه پژوهش حاضر این است که «عقد اجاره اشخاص»، مناسب‌ترین قالب فقهی و حقوقی برای قراردادهای انتقال تعهد در سیستم حقوقی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید، زیرا با مطالعه منابع معتبر فقهی و حقوقی و بررسی ماهوی عقد اجاره اشخاص دریافتیم که این عقد، از یکسو دارای اعتبار و مشروعیت فقهی و تقنینی است و از سوی دیگر، مهم‌ترین فایده حقوقی عقد اجاره اشخاص این است که «اجیر» بر هیچ کدام از مسائل و موضوعات مالی متعهدله واقع شده تسلط نمی‌یابد. علاوه بر این، فایده این نوع تعهد برخلاف سایر موارد آن است که تنها به فعالیت‌ها، خدمات و وظایف خاص «اجیر» می‌پردازد و این موضوع نیز حاکی از حفظ حقوق شهروندان در تعهدات اقتصادی و مالی است. این رویکرد نیز مطلوب قانونگذار و مجریان قانون در زمینه‌های اقتصادی و همچنین حقوق شهروندان می‌باشد که هم بتوان از منافع تعهدات بهره برد و هم سلطه اجیر را بر منابع متعهدله از بین برد. همچنین از آنجایی که نهاد حقوقی انتقال تعهد از ارزش و اهمیت والایی در تنظیم و تنسيق روابط حقوقی و اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی برخوردار است، لذا شایسته است که قانونگذار در اصلاح قانون مدنی فصل مستقلی را نیز به انتقال تعهد همانند تبدیل تعهد اختصاص داده و زوایای آن را مورد توجه قرار دهد.

References

1. Namazi AR. Analytical Study of Contract Interpretation Theory in Jurisprudence and Iranian Law. Master Thesis Private Law. Yasuj: University of Yasuj; 2016.
2. Jaafari Langroudi MJ. Terminology of Law. Tehran: Publisher Mizan; 2002.
3. Adl M. Civil Law. Tehran: Publisher Taha; 2009.
4. Altman A. An Introduction to the Philosophy of Law. Translated by Jandaghi B. Qom: Publisher Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2005.
5. Alsenhoori A. Masader al-Hagh fi fegh al-Islamieh. Beirut: Dar al-Fekr; 1999.
6. Katoozian N. Civil Law (General Theory of Obligations). Tehran: Publisher Mizan; 2005.
7. Merghes S. Theory of Contracts. Bengazi: Publisher Ejtemaat; 1956.
8. Ali Alzenon H. Necessary Judgements. Bagdad: Publisher al-Nashr al-Mahdodeh; 1954.
9. Ishtimov K. Principles of International Trade Contracts. Translated by Akhlaghi B, Imam F. Tehran: Publisher Shahr Danesh; 1997.
10. Principles of International Trade Contracts. Tehran: Publisher Shahre Danesh; 2005.
11. Shahidi M. Falling Commitments. Tehran: Publisher Majd; 1997.
12. Imami H. Civil Rights. Tehran: Publisher Islamieh; 2001.
13. Katoozian N. Specific Contracts. Tehran: Publisher University of Tehran; 1998.
14. Tavakoli Kermani S. Commitment Transfer. Tehran: Publisher Daneshvar; 2000.
15. Katoozian N. General Rules of Contracts. Tehran: Publisher Sahami; 2003.
16. Iraqi EA. An Introduction to Social Security Rights. Tehran: Publisher Higher Social Security Research Institute; 2008.
17. Shahid Sani ZA. Al-Roozeh al-Bahieh. Beirut: Publisher Dar al-Maaref; 2010.
18. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Beirut: Publisher Dar-Alehya Al-Teras Al-Arabia; 1999.
19. Helli HY. Tazkorat al-Foghaha. Qom: Publisher Al al-Beiyt; 2004.
20. Ibn Roshd MA. Bedayat Almojtahed and Nahayat al-Maghased. Cairo: Publisher Dar al-Hadith; 2005.
21. Katoozian N. Definite contract. Tehran: Publisher Modarres; 1998.
22. Bayat F. Comprehensive description of civil law. Tehran: Publisher Arshad; 2019.
23. Jaafari Langroudi MJ. Impact on will of civil rigths. Tehran: Publisher Ganj-e Danesh; 2009.